

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده بک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میر عبدالرحیم عزیز

1/24/2009

کرزی به سوی تهران و مسکو می لغزد

اعتبار و شهرت جهانی کرزی سخت آسیب پذیر شده است. امریکا از کرزی رو گشتانده و بزودی او را در گورستان تاریخ دفن خواهد کرد. چنین است سرنوشت خائنین به کشور و اتکای آنها به اجانب.

فساد اداری در دستگاه حکومت مستعمراتی کرزی و اشتغالات برادرانش در قاچاق مورد مخدره، برای کرزی در سطح ملی و بین المللی آبرو باقی نمانده است. از خلال روحیه مطبوعات امریکا استنباط میشود که این کشور کرزی را با یک شخص مورد نظر دیگر که بتواند امیال استعماری امریکا را بهتر برآورده سازد، عوض خواهد کرد. کرزی هم برای بقایش بسوی ایران و حتی روسیه رو میاورد. بازی های جدید سیاسی در افق تاریخ افغانستان در حال تکوین است.

کشور های استعماری هر چند گاهی افراد دست نشانده خود را در سرزمین های تحت سیطره عوض میکنند تا منافع شان بهتر تأمین گردد. این تغییر و تبدیل ها بعضاً با خشونت و مرگ و اعدام همراه است و بعضاً هم با اعطای رشوه و تحایف. افغانستان در ۳۰ سال اخیر میتواند شاهد این ادعای من باشد. آوردن و به دور انداختن رهبران در کابل یک فعالیت عادی استعماری تلقی میشود و مردم هم به این نوع بازی ها و سازش کاری ها عادت کرده اند. حال نوبت کرزی است. اینکه به چه سرنوشت فلاکت بار مواجه خواهد شد، آینده آنرا تثبیت خواهد کرد.

برخورد های لفظی متعددی بین اداره کرزی و مقامات امریکائی اتفاق افتاده است. امریکا و ناتو حکومت کرزی را متهم به فساد و سوء اداره ساخته و کرزی هم از روش سیاسی و نظامی و ناتو به ارتباط تلفات مردم ملکی انتقاد نموده است. دلیل جرأت کرزی در انتقاد از امریکا و ناتو معلوم است: کرزی خود را در انتهای حیات سیاسی خویش می یابد. برای وی فرقی نمیکند که حالا سر مخالفت را با امریکا شور دهد. کرزی کمترین تأثیری در مورد تلفات مردم ملکی ندارد، اگر میداشت، میتواند صدای اعتراض خود را در آغاز حیات سیاسی سفالت بارش بلند کند و از مزدوری اش به امریکا کنار رود. اما کجاست آن وجدان و شرافت که در مقابل بادر استاده شود و از حق مردم خویش دفاع نماید.

درماندگی کرزی باعث شده است که او برای بقایش به ایران و روس پناه برده به امریکا و دیگران هم بفهماند که قادر به مانور در صحنه سیاسی جهان است. کرزی در ماه دسامبر ۲۰۰۸، خلیلی معاون دوم خود را به ایران فرستاد که در مورد عدم اخراج مهاجرین افغانی از ایران با مقامات آن کشور مذاکره نماید. اما واقعیت چیزی دیگری بود: حامد کرزی حمایت ایران را ضروری می پندارد تا خلای ناشی از فقدان پشتیبانی امریکا و ناتو را پر کند. خلیلی بعد از بازگشت از ایران نتایج سفرش را سازنده و مثبت ارزیابی کرد. سفر خلیلی به ایران به منظور جلب حمایت نظام آخندی از کاندیدی احتمالی کرزی در انتخابات بود نه دلسوزی به مهاجرین افغانی و جلوگیری از اخراج آنها از ایران. این خیانتی است که هر دو کرزی و خلیلی برای مقاصد ضد ملی خود مرتکب شدند. افراد آگاه به اینجانب گفتند که بعد

از گرایش کرزی به سوی ایران، فعالیت جواسیس افغانی ایران دو چند بالا رفته است. وزرا و سفرائی که از سابق عمل ایران شمرده میشوند، به صف آرائی های جدیدی اقدام میکنند تا از جریانات سیاسی آینده عقب نمانند. از یکسو بر روش جدید کرزی در نزدیکی با ایران مهر تائید میگذارند و از سوی دیگر با کاندید های احتمالی ریاست جمهوری که تعداد شان کم نیست، سر شور میدهند. همین شیوه، راه موفقیت این گروه خاین و کاسه لیس به کشور بوده است.

کرزی همچنان در ماه نوامبر سال ۲۰۰۸، نامه ای به دیمتری مدودف رئیس جمهور روسیه فرستاد و از آن کشور تقاضای کمک دفاعی نمود. مدودف به نامه کرزی هم جواب مثبت داد و آمادگی کشورش را برای هر نوع معاونت به افغانستان اظهار داشت. کرزی بهترین فرصت را برای روسیه میسر ساخت که دوباره و فعالانه وارد صحنه سیاسی افغانستان گردد. افراد مطلع اظهار میدارند که تعداد کثیری از خلقیان و پرچمیان در ادارات دفاعی و استخباراتی افغانستان استخدام شده اند که بدینوسیله اداره کرزی به مسکو اشاره میدهد که منافع روسیه در افغانستان تأمین خواهد شد. سوال درین جاست که با حضور قوای امریکا و ناتو و تربیه اردوی افغانستان به وسیله نظامیان امریکا و استفاده از اسلحه غرب، نظام مستعمراتی کابل چطور میتواند که دو اسلحه و دو دوکتورین نظامی متفاوت را با هم تلفیق نماید؟ آیا کرزی برده صفت صلاحیت دارد که به چنین مانور ها دست زند و بادر خود را برنجانند؟ شاید کرزی بخواهد که برای خود وجه ملی بدست آورد، اما برای او بسیار دیر شده است. اول در خدمت استعمار قرار گرفتن و بعداً از استعمار رو دور دادن کمترین مفیدیتی برایش نخواهد داشت.

گفته اند "وقتیکه مرگ مورچه میرسد، بال می کشد."